به الله سوگند، ما ریاست و سرپرستی را به کسی که خودش آن را درخواست کند یا به کسی که مشتاقِ آن باشد، واگذار نمی کنیم.

از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که می گوید: با دو تن از پسرعموهایم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم؛ یکی از آنها عرض کرد: ای رسول خدا، مسؤولیت بخشی از آنچه الله عز وجل شما را مسئول آن قرار داده است، به ما بسپار. و دیگری نیز همین را گفت. این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّا وَالله لاَ نُوَلِّي هَذَا العَمَلَ أَحَدًا سَأَلَهُ، أَو أَحَدًا حَرِصَ عَلَيهِ»: «به الله سوگند، ما ریاست و سرپرستی را به کسی که خودش آن را درخواست کند یا به کسی که مشتاقِ آن باشد، واگذار نمی کنیم».
[صحیح است] [متفق علیه]

حدیث مذکور از مسئولیت دادن به کسانی نهی می کند که در پیِ آن بوده و مشتاق آن هستند؛ زمانی که دو نفر از رسول الله صلی الله علیه وسلم می خواهند به آنها بخشی از مسئولیتی بدهد که الله متعال به ایشان داده است، می فرماید: «به الله سوگند، ما ریاست و سرپرستی را به کسی که خودش آن را درخواست کند یا به کسی که مشتاقِ آن باشد، واگذار نمی کنیم». یعنی ما مسئولیتی را به کسی نمی دهیم که آن را بخواهد و درخواست کند یا مشتاق آن باشد. چون کسی که آن را بخواهد یا مشتاقش باشد، چه بسا غرض وی از دریافت آن سلطه طلبی باشد نه اصلاح کار و بار مردم و رعایت مصحلت آنها؛ بنابراین چون خود را در معرض این تهمت قرار دادند، رسول الله صلی الله علیه وسلم از درخواست ریاست و مسئولیت بازداشته و فرمودند: «به الله سوگند، ما ریاست و سرپرستی را به کسی که خودش آن را درخواست کند یا به کسی که مشتاقِ آن باشد، واگذار نمی کنیم». حدیث عبدالرحمن بن سمرة رضی الله عنه این موضوع را تاکید می کند که رسولِ الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «يَا عَبدَ الرَّحمن بنَ سمُرَةَ! لا تَسأَلِ الإمارَةَ، فَإنَّكَ إن أُعْطِيتَها عَن غَيْرِ مسأَلَةٍ أُعنتَ علَيها، وإن أُعطِيتَها عَن مسأَلةٍ وُكِلتَ إلَيْها»: «ای عبدالرحمن بن سمره، هیچگاه خواستارِ امارت نباش؛ زیرا اگر بدون درخواست به امارت برسی، در مسیر امارت از سوی الله یاری می شوی و اگر به درخواست خود به امارت برسی، با آن تنها می مانی - و از کمک و یاریِ الله محروم می گردی -». بنابراین برای ولی امر مسلمانان جایز نیست که درخواست کسی را بپذیرد و اجابت کند که فرماندهی شهری یا مکانی چون روستایی یا موارد مشابهی را طلب می کند، هرچند صلاحیت و شایستگی آن را داشته باشد. همچنین اگر کسی درخواست مقام قضاوت داشت و به عنوان مثال از ولی امر در باب قضاوت - مثلا وزیر دادگستری - خواست که او را قاضی فلان شهر بگمارد، نباید چنین کند؛ اما اگر مسئولی درخواست انتقال از شهری به شهر دیگر یا درخواست مشابه دیگری داشت، از مصادیق این حدیث نمی باشد؛ چون چنین شخصی از قبل انتخاب شده و درخواست وی متوجه انتقال به مکان دیگری می باشد؛ مگر اینکه در چنین مواردی بدانیم نیت و قصد وی از جابجایی، سلطه پیدا کردن بر فلان شهر است که درخواست جابجایی به آن را داده است؛ در این صورت او را بازمی داریم چراکه اعمال به نیت ها بستگی دارد. اما اگر این مساله مطرح شود که با توجه به این حدیث، درخواست یوسف علیه السلام از عزیز مصر را چگونه پاسخ می دهید، اینکه فرمود: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»: «[یوسف] گفت: «مرا بر [سرپرستیِ] خزانه های [مالی و غذاییِ این] سرزمین بگمار [که] بی تردید من نگهبانی دانا هستم». دو پاسخ برای آن وجود دارد؛ 1- در صورتی که شریعت امت های قبل از ما با شریعت ما مخالف باشد، در این صورت شریعت ما مورد اعتماد بوده و بدان عمل می شود؛ طبق قاعده ی معروف نزد اصولی ها که می گوید: «شریعت قبل از ما شریعت ماست مادامی که شریعت ما بر خلاف آن وارد نشده باشد». و در این مورد شریعت ما خلاف آن را بیان داشته است؛ به این ترتیب ما نباید به کسی مسئولیت بدهیم که آن را درخواست کند. 2- یوسف علیه الصلاة والسلام می دید که مال و اموال عمومی در حال از بین رفتن و تلف شدن است و در حفاظت و مراقبت از آن کوتاهی شده و بازیچه ی دست نالایقان قرار گرفته است؛ بنابراین خواست تا شهرهای مختلف را از این بی کفایتی و پیامدهای ناگوار آن نجات دهد؛ در چنین وضعیتی هدف وی از بین

بردن مدیریت ضعیف و بی کفایتی بود که دود آن به چشم همه می رفت؛ در چنین شرایطی اقدام کردن جهت بهبود اوضاع عمومی ایرادی به آن وارد نیست؛ بنابراین اگر رئیس و مسئولی را در جایی ببینیم که مسئولیتش را به نحو احسن انجام نمی دهد و بلکه موقعیتی را که اشغال کرده ضایع نموده و فساد وی برای مردم بیشتر است، کسی که شایستگی و اهلیت مقام و مسئولیت مورد نظر را دارد، در صورتی که کسی جز او نباشد، می تواند از ولی امر بخواهد آن پست و مقام را به وی بدهد؛ و به عنوان مثال بگوید: مرا مسئول فلان شهر قرار بده. تا به این ترتیب شر موجود در آن از بین رفته و اوضاع رو به بهبودی برود. و هیچ اشکالی در آن نیست و بلکه مطابق با قواعد شرعی می باشد. اما حدیث عثمان بن ابوالعاص که به رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: مرا امام قومم در نماز قرار بده و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تو امام آنها هستی». برخی از علما در مورد آن می گویند: این حدیث بر جواز درخواست امامت در خیر و خوبی دلالت دارد؛ و در دعاهای عبادالرحمن که الله متعال آنها را در سوره ی فرقان توصیف می کند، آمده که می گویند: «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»: «و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده». و این از باب درخواست ریاست مکروه نیست. بلکه درخواست ریاستی مکروه و ناروا است که مربوط به مسایل دنیوی باشد که هرکس آن را بخواهد، به او داده نمی شود و اگر به آن دست یابد، یاری نمی گردد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3517